



Creative Commons Attribution 4.0 International License (CC BY 4.0)

DOI: 10.22067/ social.2023.80579.1296

مقاله پژوهشی

تحلیل نحوه شکل‌گیری عشق سیال مبتنی بر زیست زناشویی زوجین در شبکه‌های مجازی^۱

معصومه هردار (دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی، دانشکده علوم انسانی، واحد تهران مرکز، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران)

m.hardar.4452@gmail.com

سروش فتحی (دانشیار گروه جامعه‌شناسی، دانشکده علوم انسانی، واحد تهران غرب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران، نویسنده مسئول)

fathi.sorosh@gmail.com

نیر پیر اهری (استادیار گروه جامعه‌شناسی، دانشکده علوم انسانی، واحد گرمسار، دانشگاه آزاد اسلامی، گرمسار، ایران)

n-pirahari@yahoo.com

چکیده

امروزه در بسیاری از نابسامانی‌های خانوادگی در روابط زوجین، شبکه‌های اجتماعی مجازی به‌عنوان یکی از مهم‌ترین عوامل نقش‌آفرینی می‌کند؛ چراکه شبکه‌های اجتماعی مجازی که می‌تواند نقش مؤثری در توسعه فرهنگی و روابط انسانی ایفا کند، به‌دلیل استفاده نادرست کاربران، به تهدیدی جدی برای خانواده‌ها تبدیل شده است. در این راستا، هدف اصلی پژوهش، تجربه زیسته زوجین در شبکه‌های مجازی و شکل‌گیری عشق سیال و پیامدهای آن مطابق با نظریه‌ها شامل نظریه رابطه، نظریه کنترل، نظریه ارضای نیاز و

۱. این مقاله مستخرج از رساله دکتری از نویسنده اول مقاله در رشته جامعه‌شناسی، دانشکده علوم انسانی، واحد تهران مرکز، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران است.

نظریه بحران ارزش‌ها بود. پژوهش حاضر از نوع مطالعات کیفی است که به روش گراندد تئوری (زمینه‌بنیاد) با رویکرد اشتراوس و کوربین (۲۰۰۰) در این زمینه انجام گرفت. روش تحلیل داده‌ها به صورت کدگذاری چندگانه انجام شد. سیزده تم (طبقه) برحسب ۲۱ نفر از مراجعان به مرکز مشاوره و متخصصین مراکز به صورت نمونه‌گیری هدفمند و نظری انتخاب شد. تحلیل داده‌ها با استفاده از نرم‌افزار Atlas.Ti7 انجام شد. در نهایت برای ترسیم الگوی شکل‌گیری عشق سیال در زوجین در شبکه‌های اجتماعی، یافته‌های تحقیق نشان داد که این مقوله موجب تضعیف بنیان خانواده، طلاق عاطفی، رفتارهای فرازناشویی و کاهش سرمایه اجتماعی می‌شود. همچنین عوامل علی (شامل خودمختار زندگی، خویشتن عاشق، خودکامی از خود، فردیت بخشی و اثبات هویت و نافرمانی غیریتی) و عوامل زمینه‌ای (شامل مردسالاری در جامعه، نابودی مودت و مشکلات معیشتی و آسیب‌های اجتماعی و اقتصادی در خانواده)، سبب شکل‌گیری عشق سیال در شبکه‌های مجازی می‌شوند. همچنین نتایج در رابطه با پیامدهای عشق سیال نشان داد که هرچه میزان حضور زوجین در شبکه‌های مجازی بیشتر باشد، به همان اندازه بر اختلافات زناشویی، خشونت خانگی، طلاق عاطفی، تنوع طلبی عاطفی و جنسی و کاهش اعتماد، افزایش سوءتفاهم‌ها و رفتارهای فرازناشویی مؤثر است؛ چراکه همجواری مجازی هویت و اتحاد جنسی برحسب پیامدهای باز کردن فضای خصوصی، رفتارهای فرازناشویی، کاهش سرمایه اجتماعی، طلاق عاطفی و آزادی در ارتباط عشقی تعیین می‌شود.

کلیدواژه‌ها: شبکه‌های مجازی، زوجین، تجربه زیسته زنان، عشق سیال.

۱. مقدمه

در فرهنگ ما ایرانیان هنگامی که صحبت از رابطه فرازناشویی به میان می‌آید، تمام فکرها به سمت رابطه فرازناشویی جنسی گرایش می‌یابد؛ درحالی‌که روابط فرازناشویی با دو شاخص شناسایی می‌شود: اول، شاخص عاطفی که شامل ابراز عاطفه با فردی غیر از همسر است و دوم، شاخص جسمانی که شامل رابطه جنسی با فردی غیر از شریک زندگی است؛ پس رابطه فرازناشویی عاطفی شامل هرگونه ارتباط عاطفی و هیجانی واقعی و مجازی با

کسی بدون آگاهی همسر اعم از رابطه تلفنی، اینترنتی یا اس‌ام‌اس (پیامک) عاطفی-هیجانی با فردی از جنس مخالف در نهاد خانواده به‌عنوان مهم‌ترین نهاد برای پاسخگویی به نیازهای عاطفی افراد و حفظ سلامت روحی آنان است (فولادیان و همکاران، ۱۳۹۹، ص. ۱۱). مسئله این است که بسیاری گمان می‌کنند، چون این رابطه‌ها مخفی است، وجود خارجی هم ندارد، اما نتایج تحقیقات نوین، تنها نوک کوه یخی را برملا می‌کند که چشمان بسته در ایران، سال‌ها از آن فرار می‌کردند؛ با این همه، در مطالعات پیشین در جامعه ایرانی در حوزه خیانت زناشویی، عوامل مختلفی مدنظر قرار گرفته است و هریک از این پژوهش‌ها از منظری خاص به خیانت زناشویی پرداخته‌اند (شریفی ساعی و همکاران، ۱۴۰۰، ص. ۳۶).

«برای زنان ایرانی که در دهه‌های بیست، سی، چهل، و حتی تا نیمه دهه پنجاه شمسی متولد شدند، فضای مجازی وجود یا معنایی نداشت. آنان عشق را در پیرامون خود جست‌وجو می‌کردند، روابط اجتماعی آنان تعریف‌شده و محدود بود؛ زیرا دسترسی آنان حتی به تلفن‌های ثابت نیز محدود بود؛ بدین ترتیب آنان قادر به کشیدن فضاها‌ی اجتماعی به‌سوی فضای خصوصی خانه که محل اصلی استقرار آنان بود، نبودند. آنان عشق را در شبکه‌های روابط خویشاوندی، همسایگی یا روابط دور و نزدیک دوستانه می‌جستند؛ به عبارت دیگر، عشق در این فضاها رخ می‌داد که خود چالشی قدیمی برای در هم شکافتن مرزهای خانوادگی محسوب می‌شد» (عباسی شوازی و همکاران، ۱۳۹۶، ص. ۸۰)؛ بدین ترتیب عرصه‌ای که فرصت‌های زندگی خود را در آن می‌جستند، کاملاً واقعی به نظر می‌رسید، اما برای زنانی که در نیمه دهه پنجاه شمسی متولد شدند، ظهور تلفن همراه به‌مثابه عاملی تسهیل‌کننده برای گسترش عرصه‌های برقراری رابطه‌های عاشقانه مطرح بود. تلفن‌های ثابت خانگی تا این دوره عرصه‌ای است که داستان‌های عاشقانه پیرامون آن شکل می‌گیرد، اما هرچه به اواخر دهه پنجاه نزدیک‌تر می‌شویم، فضای مجازی، اینترنت، ایمیل، وبلاگ‌ها، شبکه‌های دوست‌یابی و اخیراً شبکه‌های اجتماعی، همه آن چیزی که کاستلز با عنوان «منظومه اینترنت» (کاستلز، ۱۳۸۹، ص. ۴۰۱) می‌نامد، به‌مثابه عرصه‌ای برای پرسه

زدن، وقت گذراندن، گم شدن و عجیب‌تر از همه، شریک شدن تنهایی خود با یکدیگر، مطرح است. زنان در این دوره، در پی پایان دادن به غربتی که از آن در رنج بودند به فضای غریب مجازی نزدیک شدند (علیرضائزاد: ۱۳۹۶، ص. ۸۹).

از جمله مسائلی که نقض آن با استفاده از شبکه‌های اجتماعی آسان‌تر و به واسطه شکل متفاوت ارتباط پذیرفتنی‌تر است، تعهد در ارتباط زوجین است که رعایت آن اصل بدیهی برای دوام زناشویی است. با توجه به گسترش دامنه ارتباطی در شبکه‌های اجتماعی، برقراری ارتباط با جنس مخالف بسیار آسان شده است و همین سهولت می‌تواند تعهد زوجین را تهدید کند؛ اگرچه در ارتباط مجازی و با فاصله‌ای بعید میان بدن‌ها، اینکه کدام رفتار و چه گسترده‌ای از آن را می‌توان به‌عنوان تهدیدی برای روابط زناشویی محسوب کرد و در حیطة خیانت زناشویی طبقه‌بندی کرد، به امری مبهم تبدیل شده است.

از نظر گیدنز^۱ (۱۹۹۲)، امروزه در سایه تحولات شگفت‌انگیز تکنولوژی‌های رسانه‌ای شاهد شکل‌گیری نوع جدیدی از تعاملات بین دختران و پسران به خصوص در روابط پیش از ازدواج هستیم که با شکل‌های سنتی ازدواج تفاوت دارند (گیدنز، ۱۹۹۲). باومن نیز معتقد است که روابط اینترنتی بین دو جنس، بسیار متفاوت از روابطی است که با واسطه سایر رسانه‌ها انجام می‌شوند و این روابط به‌دلیل ماهیت مجازی آن‌ها به‌شدت زندگی بشریت را تهدید می‌کنند. او درباره اینکه مفاهیم سنتی وفاداری و عشق واقعی تضعیف شده‌اند، ابزار نگرانی می‌کند. نبود امکان تماس جسمی در این محیط باعث می‌شود که برخی از افراد فکر کنند چنین روابطی بی‌اشکال است (باومن^۲، ۱۳۸۴؛ ۶۳). به اعتقاد گلاسر^۳ و همکاران (۲۰۰۴)، زوج‌ها زندگی مشترکشان را با عشق شروع می‌کنند، ولی مشاهده می‌کنند که صمیمیت اولیه به تدریج رنگ می‌بازد. با گذشت زمان، زندگی برخی از زوجین به جدایی

-
1. Giddens
 2. Bauman
 3. Glasser

کشیده می‌شود، اما اکثریت به زندگی مشترکشان با آهنگی یکنواخت و ملال‌آور ادامه می‌دهند و برای تحمل این زندگی به مشروبات الکلی، پرخوری، استفاده از مواد مخدر یا ارتباطات نامشروع روی می‌آورند (گلاسر و همکاران، ۲۰۰۴). از نظر باومن، عدم قطعیت، سیال بودن و مصرفی شدن به شدت ناامنی این روابط را تحت‌تأثیر قرار داده است. او در کتاب *عشق سیال*، در پی توضیح، ثبت و درک ناپایداری خارق‌العاده پیوندهای انسانی، اساس ناامنی حاصل از این ناپایداری‌ها و امیال متضاد ناشی از احساس مبنی بر تحکیم پیوندها و در عین حال سست نگه داشتن آن‌هاست (باومن، ۱۳۸۴، ص. ۱۰). باومن همچنین معتقد است که، تعهد نتیجه جانبی چیزهای دیگر است. مشخصه تعیین‌کننده روابط مدرن، رهائی از تعهد است (فرن^۱، ۲۰۰۶، ص. ۳۲).

امروزه روابط اینترنتی باعث شده است تا افراد به راحتی با یکدیگر روابط بین شخصی برقرار کنند. اینترنت توانسته است یک محیط جهانی را برای کاربران خود در سرتاسر دنیا برای برقراری هرچه بهتر روابط فراهم کند، اما مشکلات خاصی در نتیجه گسترش روزافزون روابط اینترنتی به وجود آمده است. یکی از مشکلاتی که در این زمینه مدنظر قرار می‌گیرد، روابط اینترنتی فرا زناشویی است که در پژوهش‌های داخلی از بعد نفوذ رسانه‌های جمعی در محیط وب کمتر به آن پرداخته شده است؛ بنابراین این موضوع یک مسئله اجتماعی است که خلأ پژوهشی و فقدان آمار دقیق در کشور ما به منزله نبود این معضل و مشکل اجتماعی نیست؛ بلکه نشان از بی‌توجهی به این آسیب اجتماعی است و هدف پژوهش حاضر شناخت مسائل اجتماعی مرتبط است تا خطرات و آسیب‌هایی بررسی شود که این روابط به دلیل ماهیت مجازی آن‌ها زندگی زوجین را تهدید می‌کنند. در این راستا، هدف اصلی پژوهش حاضر این است که تجربه زیسته زوجین در شبکه‌های مجازی و شکل‌گیری عشق سیال، تا چه اندازه زندگی زوجین را به مخاطره می‌کشاند و پیامدهای آن چیست؟

۲. مبانی نظری تحقیق

در فضای مجازی، گمنامی یکی از ویژگی‌های تماس‌های شبکه‌ای است. ویژگی گمنامی این امکان را برای کاربران فراهم کرده است که به راحتی نقش‌های متعدد و گوناگونی را بازی کنند. آن‌ها فضای مجازی را فضایی رهایی‌بخش در نظر می‌گیرند که به کاربران این اجازه را می‌دهد که در آن واحد خالق، بازیگر و کارگردان و در نهایت همه‌کاره خود باشند (ذکایی، ۱۳۸۴، ص. ۱۲۵). به عقیده باومن، افشای خویشتن باطنی که ویژگی گمنامی ایجادکننده آن است، موجب تعمیق تعاملات بین فردی تا حد برقراری رابطه‌های عشقی نیز می‌شود. «معاشرت و مصاحبت خویشتن‌های باطنی افراد مبتنی بر خودافشاگری‌های برخوردار از حمایت متقابل است و همین امر چه بسا هسته رابطه عشقی باشد. چه بسا به ریشه دواندن، جوانه زدن و رشد جزیره خودبسندۀ یا تقریباً خودبسندۀ سرگذشت‌های مشترک بینجامد» (باومن، ۱۳۸۴، ص. ۶۵).

طبق نظریه روان‌پویشی، رابطه فرازناشویی می‌تواند به‌عنوان تنبیهی برای همسر فرد باشد. رابطه فرازناشویی به منزله طغیان است؛ راهی برای اعلام نبود وابستگی و بی‌نیازی به روابطی است که آن‌ها را زیاد شخصی و دست‌وپاگیر احساس می‌کند. وقتی زنانگی و مردانگی یک فرد تهدید می‌شود، در به‌در به دنبال معشوقی است تا بر احساس سرافکنندگی، رسوایی و حقارتش سرپوش بگذارد. فردی که پدر و مادرش نتوانستند با او برخورد صمیمی داشته باشند و او در خلأ عاطفی و احساس تهی بودن بزرگ شده است، در روابط بزرگسالی دیگران را سرد یا بی‌علاقه می‌داند و با گوشه‌نشینی و رفتن از رابطه‌ای به رابطه‌ای دیگر و با گدایی محبت و توجه به اطرافیان واکنش نشان می‌دهد (شیردل، ۱۳۸۵). وقتی خودمختاری، یگانه قدرت تعیین حدود انسانیت باشد، زندگی انسان‌هایی که بیرون از این حدود قرار دارند یا از این حدود بیرون رانده شده‌اند، ارزش زیستن ندارد (باومن، ۱۳۸۴، ص. ۱۹۹).

نظریه رابطه با محبوب که رونالد فایربرن^۱ (۱۹۶۳) مطرح کرد، روشی را توصیف می‌کند که فرد به صورت ناهوشیار، روابطش را براساس تجارب قبلی زندگی‌اش شکل می‌دهد. تجارب اولیه فرد، انتظارات خاصی را به وجود می‌آورد که شخص در آینده در روابطش با افراد مهم زندگی‌اش در جست‌وجوی آن است (گلدنبرگ و گلدنبرگ^۲، ۲۰۰۰، به نقل از رسولی و سهرابی، ۱۳۸۷). طبق نظریه کنترل^۳، مشکل اصلی زوجین رفتارهای مبتنی بر کنترلگری است که نه تنها باعث می‌شود آن‌ها نتوانند نیاز به عشق و تعلق خاطرشان را تأمین کنند، بلکه در ارضای سایر نیازها نیز دچار مشکل می‌شوند. کم‌رنگ شدن تدریجی صمیمت اولیه بین زوجین و یکنواخت شدن زندگی برای آن‌ها محرک و انگیزه‌ای برای جست‌وجوی صمیمت فردی و جنسی از طریق روابط نامشروع است (خوش‌نیت و همکاران، ۱۳۸۹).

خویشتن عاشق از طریق واگذاری خود به اُبزه عشق، گسترش می‌یابد. عشق یعنی بقای خویشتن از طریق غیریت خویشتن، عشق یعنی میل به محافظت کردن، تغذیه کردن، حمایت کردن، نوازش کردن، لوس کردن یا مراقبت صبورانه، محصور کردن، محبوس کردن. عشق یعنی در خدمت بودن، تحت اختیار و نظارت بودن، منتظر فرمان بودن (باومن، ۱۳۸۴، ص. ۳۲).

طبق نظریه بحران ارزش‌ها، در جوامعی که در حال انتقال از وضع اقتصادی و اجتماعی خاص به وضع دیگری هستند، مشکلاتی پدید می‌آید که نتیجه تضاد نوگرایی و پابندی به سنت‌های دیرین و تشدید جنگ بین نسل‌ها است. در این مرحله برزخی و حساس، عناصر اخلاقی و ارزش‌های اجتماعی بیش از هر چیز دیگر تغییر وضع و موضوع می‌دهند (ساروخانی، ۱۳۸۰، ص. ۷). به عقیده باومن، «نابودی مودت» به این معناست که سوءظن‌ها و مخاصمات قبیله‌ای قدیم و جدیدی که هرگز فروکش نکرده‌اند و به تازگی شدت گرفته‌اند، با نگرانی جدید درباره امنیت، همان نگرانی حاصل از بلا تکلیفی‌ها و نامنی‌های هستی سیال

1. Fairburn Ronald
2. Goldenberg & Goldenberg
3. Control theory

مدرن، ترکیب و مخلوط شده‌اند. تحقیر، سلاح قدرتمندی است که شبیه بوم‌رنگ است. می‌توان از آن برای نشان دادن یا اثبات نابرابری بنیادی و اجتناب ناپذیر تحقیرکنندگان و تحقیرشوندگان استفاده کرد (باومن، ۱۳۸۴، ص. ۲۲۹).

زیگمونت باومن (۲۰۰۳) اصطلاح «تماس‌های شبکه‌ای» را برای توصیف تغییرات ایجادشده در روابط بین دو جنس در فضای مجازی سیال مدرن به کار برده است. پیش از آن، باومن (۲۰۰۳) اصطلاح «مدرنیته سیال»^۱ را برای توصیف جهان به‌عنوان شکل در حال تغییر دائمی به کار برده بود. از نظر او، مدرنیته در دو مرحله باعث ایجاد این تغییرات شده است که مرحله اول را مدرنیته جامد^۲ و مرحله دوم را مدرنیته سیال می‌نامد. طبق نظر باومن، فاصله مدرنیته جامد و سیال، مجموعه بی‌سابقه و جدیدی را برای فعالیت‌های مربوط به زندگی فردی خلق کرده است. این مجموعه باعث شده است افراد با چالش‌هایی روبه‌رو شوند که پیش‌تر با آن مواجه نبوده‌اند. چنین زندگی‌ها و فعالیت‌های منفک‌شده و جدا از هم نیازمند افرادی است که انعطاف‌پذیرند، می‌توانند خودشان را تطبیق دهند، به‌صورت مداوم آماده و متمایل به تغییر تاکتیک با همان اطلاعات کم باشند، به تعهدات و وفاداری‌ها بدون هیچ‌گونه اظهار تأسف بی‌تفاوت باشند و طبق توانایی‌های موجود به‌دنبال فرصت‌ها باشند. در مدرنیته سیال، افراد باید در وضعیت نبود اطمینان رفتار کنند و حساب سود و زیان کردارهای خود را داشته باشند. باومن بر مبنای دیدگاه خود در مورد «مدرنیته سیال» (۲۰۰۰)، پنج کتاب دیگر در مورد پدیده‌های اجتماعی با پسوند سیال به نام‌های عشق سیال (۲۰۰۳)، اجتماعی‌بودگی سیال (۲۰۰۴)، زندگی سیال^۳ (۲۰۰۵)، ترس سیال^۴ (۲۰۰۶) و زمان‌های سیال^۵ (۲۰۰۷) نوشته است. او در آثار خود به‌ویژه در عشق سیال و زندگی سیال، به بررسی

-
1. Liquid modernity
 2. Solid modernity
 3. Liquid life
 4. Liquid fear
 5. Liquid times

روابط افراد در دنیای مدرن واقعی و تماس‌های شبکه‌ای در دنیای مدرن مجازی پرداخته است. محور یا قهرمان اصلی مباحث او در این آثار «رابطه^۱» انسان‌ها در دنیای واقعی است، ولی به رابطه انسان‌ها در دنیای مجازی نیز توجه خاصی نشان داده و ویژگی‌هایی را برای آن‌ها مطرح کرده و پیامدهایی را برای آن‌ها برشمرده است. مهم‌ترین ویژگی‌های ارتباط‌های شبکه‌ای که از نظر باومن (۱۳۸۴، صص. ۱۵-۱۶) براساس آن‌ها افراد به‌جای برقراری رابطه‌های واقعی به این‌گونه ارتباط‌ها تمایل پیدا می‌کنند، عبارت‌اند از: سادگی برقراری و قطع روابط مجازی، دقیق بودن آن، گمنامی و ناشناس بودن و معاینه دائمی وجود یا نبود رابطه.

همچنین باومن معتقد است، به دلیل رقیق بودن این رابطه‌ها، برقراری تماس و همچنین قطع آن‌ها به سادگی امکان‌پذیر است؛ بنابراین ویژگی دیگر این تماس‌ها، سادگی در دسترسی و تسهیل در کنار گذاشتن آن‌ها است. در فضای مجازی و اتاق‌های گفت‌وگو همیشه کسانی هستند که هر وقت دوست داشتیم می‌توانیم با آن‌ها تماس برقرار کنیم و خیلی راحت کنارشان وقت بگذاریم. باومن این ویژگی را به آسان و راحت بودن استفاده از محتویات «جیب بلوز» تشبیه می‌کند؛ به طوری که افراد در هنگام نیاز می‌توانند به سادگی از آن‌ها استفاده کنند، ولی پس از رفع نیاز آن‌ها را کاملاً در جیب خود پنهان کنند. «رابطه جیب بلوز» همواره حاضر و آماده، اما یک‌بار مصرف و دوراندختنی است (باومن، ۱۳۸۴، ص. ۴۸).

۱.۲. پیشینه تحقیق

موضوع بررسی شده در این پژوهش، سابقه تحقیقی مشابه ندارد و در حوزه تجربه زیست زناشویی زوجین در شبکه‌های مجازی در شکل‌گیری عشق سیال تحقیق مستقلی مشاهده نشد، اما نزدیک‌ترین مطالعه در این زمینه، پژوهش رحیمی و همکاران (۱۳۹۷) درباره بررسی تأثیر شبکه‌های اجتماعی بر مناسبات خانواده از دیدگاه معلمان آموزش و پرورش منطقه ۱۱ شهر تهران بود. این پژوهش به روش کمی انجام شد و نتایج مربوط به تحلیل

رگرسیون مشخص کرد، هریک از مؤلفه‌های «روابط زناشویی»، «کاهش فعالیت‌های روزانه»، «بی‌اعتمادی والدین به فرزندان»، «ارتباطات چهره به چهره اعضای خانواده»، «کاهش مشارکت‌های اجتماعی اعضای خانواده» و «انزوای اجتماعی اعضای خانواده»، توانایی زیادی در تبیین و پیش‌بینی «مناسبات خانوادگی» دارند و دیگر اینکه متغیر «بی‌اعتمادی والدین به فرزندان» در مقایسه با متغیرهای دیگر، قوی‌ترین تأثیر را بر «مناسبات خانوادگی» دارد؛ به‌گونه‌ای که این متغیر قادر است حدود ۲۷ درصد از تغییرات کیفیت روابط خانوادگی را تبیین کند. همچنین مشخص شد که به‌طورکلی استفاده از «شبکه‌های اجتماعی» قادر است ۴۲ درصد از «مناسبات خانواده» را پیش‌بینی کند (رحیمی و همکاران، ۱۳۹۷، ص. ۵۹).

فسائی و همکاران (۱۳۹۷) در پژوهشی با عنوان «مصرف فضای مجازی و رابطه آن با انزوای اجتماعی در بین دانشجویان علوم و تحقیقات» نشان دادند که بین متغیرهای مصرف فضای مجازی، احساس تنهایی، احساس ناکامی، سن، سطح تحصیلات، و نوع برنامه‌ها با متغیر انزوای اجتماعی رابطه وجود دارد.

کنعانی (۱۳۹۵) تحقیقی با عنوان «تماس‌های شبکه‌ای و تجربه عشق سیال در بین دانشجویان دختر دانشگاه گیلان» انجام داد که در کنار سایر اهداف خود به رقیق بودن، سادگی و گمنامی در تماس‌های شبکه‌ای و آزادی در شبکه‌های مجازی اشاره کرد. صدقی جلال و همکاران (۱۳۹۴) به این نتیجه رسیدند که بین میزان استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی و تغییر سبک زندگی و تغییر توقعات زوجین ارتباط وجود دارد.

همچنین برات‌دستجردی و عرفان (۱۳۹۱) و دهقان و نیک‌بخش (۱۳۹۱) پژوهش‌هایی درباره پیامدهای ارتباطات اینترنتی بین دو جنس با روش کیفی انجام دادند. نتایج نشان داد، متغیرهای مستقل (مصرف فضای مجازی، احساس تنهایی، احساس ناکامی، سن، سطح تحصیلات و نوع برنامه‌ها) با متغیر وابسته (انزوای اجتماعی) در ارتباط است و تنها رابطه دو متغیر (میزان درآمد و سن) با انزوای اجتماعی رابطه عکس دارد.

فتحی و همکاران (۱۳۹۰) در مطالعه شبکه‌های اجتماعی مجازی و تعهد زوجین با روش کیفی نشان دادند، در میزان استفاده از شبکه‌های اجتماعی با میزان اعتماد زوجین رابطه بسیار قوی و معکوس، میزان استفاده از شبکه‌های اجتماعی با میزان تعهد و پایبندی همسران رابطه بسیار قوی و معکوس، میزان استفاده از شبکه‌های اجتماعی با میزان وابستگی زوجین به شبکه‌ها رابطه بسیار قوی و مستقیم، وجود دارد؛ در نتیجه استفاده از شبکه‌های اجتماعی علاوه بر کارکردهای مثبت، داری پیامدهای منفی از جمله بیگانگی از زندگی است؛ به عبارت دیگر، غریبه خودی و خودی غریبه نمایان شده است.

فتحی و همکاران (۱۳۹۰) در بررسی تأثیر فناوری اطلاعات و ارتباطات بر شکاف نسلی (مورد پژوهش: خانواده‌های شهرستان گرمسار) با روش کیفی نشان دادند، تفاوت معناداری بین والدین و فرزندان در میزان شناخت، علاقه و استفاده از فناوری اطلاعات و ارتباطات وجود دارد؛ به طوری که فرزندان به صورت حرفه‌ای و نیمه حرفه‌ای از فناوری اطلاعات و ارتباطات استفاده می‌کنند و والدین نیز به صورت مبتدی از آن استفاده می‌کنند. فناوری اطلاعات و ارتباطات در کنار سایر متغیرها باعث به وجود آمدن شکاف نسلی شده است. همچنین بین فاصله سنی و اختلاف تحصیلی والدین و فرزندان و شکاف نسلی، رابطه معنادار مشاهده شد.

فتحی و مطلق (۱۳۹۰) در مطالعه کیفی جهانی شدن و فاصله نسلی (مطالعه جامعه‌شناختی فاصله نسلی: با تأکید بر فناوری اطلاعات و ارتباطات) معتقدند، با توجه به مقولاتی چون جهانی شدن، گسترش شهرنشینی و ظهور فناوری‌های جدید اطلاعات و ارتباطات می‌توان اذعان داشت که نسل جدید با دنیای جدیدی روبه‌رو است که ارزش‌ها، هنجارها و فرهنگ او را دچار تغییر و تحول می‌کند.

ربیعی (۱۳۸۷) و ذکایی و خطیبی (۱۳۸۵) درباره اینترنت و تغییرات هویتی به صورت کمی بحث کردند و در کنار سایر اهداف پژوهش خود به ویژگی‌های اینترنت در شکل‌گیری تعاملات اجتماعی پرداختند. آن‌ها نشان دادند که رسانه‌های نوین و بحران هویت به استفاده

از اینترنت و مواجهه با فضای مجازی در میان جوانان ایرانی که روز به روز در حال افزایش است، اشاره می‌کند و تأثیر ویژگی‌های ساختاری، گمنامی یا هنجارها در دنیای مجازی شکل می‌گیرد. تحقیقات خارجی در زمینه ارتباطات و دوستی‌های اینترنتی سابقه طولانی‌تری دارد؛ به‌عنوان مثال، روزنفلد و توماس^۱ (۲۰۱۲) دلایل گسترش دوستی‌ها و روابط اینترنتی و حتی ازدواج اینترنتی در بین نوجوانان و جوانان آمریکایی را ویژگی‌های مرتبط با دسترسی آسان و ۲۴ ساعته به اینترنت در خانه می‌دانند. سزار و همکاران (۲۰۱۱) به بررسی ویژگی نبود اعتماد و پیامد ناامنی در اینترنت پرداختند. نتایج نشان داد که تنها ۶ درصد از کاربران به آنچه در روابط برخط رد و بدل می‌شد، اعتماد داشتند و ۵۸ درصد از کاربران معتقد بودند که ملاقات دوست مجازی در جهان واقعی ناامن است. ویتی^۲ (۲۰۰۸) نشان می‌دهد که فقدان ویژگی‌های سنتی در اینترنت و وجود ویژگی‌های خاص در این تکنولوژی، از عوامل شکل‌گیری رابطه‌های بسیار شخصی و صمیمی است.

در همین راستا، دوکان^۳ (۲۰۰۷) به بررسی دیدگاه‌های متفاوت زنان و مردان در مورد خیانت اینترنتی پرداختند. نتیجه پژوهش نشان داد که از ۲۰۸ شرکت‌کننده، ۴۴ عمل خاص از طریق اینترنت (مثلاً ابراز عشق به دوست اینترنتی) را که به‌نوعی بیانگر بی‌وفایی به همسر بود، از طریق دو پرسشنامه خیانت خود و خیانت همسر بررسی شد. همچنین بودمر (۲۰۰۱) معتقد است که زنان در گفت‌وگوهای آنلاین و پست الکترونیک بیشتر از مردان مشارکت دارند و اگرچه مردان سابقه چت بیشتری در مقایسه با زنان دارند، زنان در هفته بیش از مردان چت می‌کنند، همچنین، زنان جوان ۱۶-۱۷ ساله آمادگی دارند میان تعداد چشمگیری از اشکال متفاوت عشق رمانتیک تمایز قائل شوند.

-
1. Rosenfeld & Thomas
 2. Whitty
 3. Duncan

۳. روش تحقیق

این مطالعه کیفی از نوع گراند تئوری با رویکرد اشتراوس و کوربین (۱۹۹۸) است. در این مطالعه نمونه‌گیری ابتدا به صورت هدفمند شروع شد و به تدریج به صورت نمونه‌گیری تئوریک ادامه یافت. در این پژوهش، براساس روش تحلیل اشتراوس و کوربین برای تحلیل داده‌ها، سه مرحله کدگذاری انجام گرفت: کدگذاری‌های باز، محوری و گزینشی. در کدگذاری باز، پس از چندین بار خواندن متن پاسخ‌ها، جملات اصلی استخراج شد و به صورت کدهایی ثبت شد و مفاهیم از جملات معنادار استخراج شد. در کدگذاری محوری، مفاهیمی که در کدگذاری باز تشکیل شده بودند، با هم مقایسه شدند و آن‌هایی که با هم شباهت داشتند، حول محورهای مشترک و مقوله اصلی قرار گرفتند.

در کدگذاری محوری، عناصر مدل پارادایمی شامل پدیده محوری، شرایط علی، شرایط زمینه‌ای و مداخله‌گر، راهبردها و پیامدها شناسایی شدند. در نهایت، در مرحله کدگذاری گزینشی، مقوله هسته‌ای نهایی که جامع و چکیده‌ای از روابط تمامی مقوله‌های اصلی بود، استخراج شد. در این راستا در پژوهش حاضر، نمونه‌گیری ابتدا به صورت هدفمند شروع شد و به تدریج به صورت نمونه‌گیری تئوریک ادامه یافت. در این پژوهش با افرادی مصاحبه شد که تجربه بیشتری در زمینه شبکه‌های مجازی و ارتباطات عاطفی و مجازی و در نهایت عشق سیال داشتند. سپس با توجه به داده‌هایی که جمع‌آوری شد، لازم شد تا برای تکمیل داده‌ها، نمونه‌هایی از سایر افراد دخیل در فرایند هماهنگی بین‌بخشی نیز گرفته شود.

جامعه این پژوهش افرادی بودند که تجربه ارتباط عاطفی در شبکه‌های اجتماعی داشتند، مراجعان متأهل مراجعه‌کننده به سه مرکز روان‌شناسی و مشاوره گلستان منطقه ۹ شهرداری در تهران و مرکز ذوالفقاری در منطقه ۱۸ تهران و کلینیک باور در منطقه ۹ تهران، متخصصان و مشاوران مرکز مشاوره که سابقه مشاوره و راهنمایی به مددجویان را داشتند و همچنین مدیران و متخصصان حوزه جامعه‌شناسی در گرایش گروه‌های اجتماعی، در پژوهش

مشارکت داشتند. در این پژوهش، مهم‌ترین ویژگی نمونه‌ها، داشتن تجربه زنده و دانش یا تخصص مرتبط بود.

مطابق روند مطالعات کیفی، حجم نمونه در حین کار مشخص خواهد شد و نمونه‌گیری آنقدر ادامه می‌یابد تا اشباع داده‌ها حاصل شود و محقق به این نتیجه برسد که جمع‌آوری داده‌ها، تکرار مطالب قبلی است که به کد جدید یا گسترش کدهای موجود نیاز ندارد. مشارکت‌کنندگان در مطالعه از ۲۱ نفر تشکیل شده بودند که مددجویان تجربه یا استفاده از شبکه‌های اجتماعی و مشاوران تجربه در روان‌درمانی و مشاوره و راهنمایی مددجویان را داشتند. روش نمونه‌گیری هدفمند برای مصاحبه اولیه به کار برده شد و با توجه به کدبندی و طبقه‌بندی داده‌های به دست آمده با استفاده از نمونه‌گیری نظری، جمع‌آوری شد. انتخاب شرکت‌کنندگان، جمع‌آوری داده‌ها و تجزیه و تحلیل داده‌ها تا رسیدن به اشباع نظری و شرح غنی از تجربیات به دست آمده ادامه داشت. نویسنده از روش مصاحبه‌های عمیق برای جمع‌آوری داده‌ها استفاده کرد. هر مصاحبه با سؤالات کلی درمورد تجارب خود شرکت‌کنندگان آغاز شد. همچنین سؤالات تحقیقی و کاوشگرانه‌ای برای روشن شدن اطلاعات و به دست آوردن داده‌های اضافی به کار رفت. مصاحبه‌ها از ۴۵ دقیقه تا ۸۵ دقیقه طول کشید. ۲۱ مصاحبه بین ماه‌های تیر تا آذر ۹۸ توسط نویسنده انجام شد.

روش تحلیل داده‌ها با استفاده از نرم‌افزار Atlas.Ti Ver.7 و با رویکرد گراند تئوری (کدگذاری‌های باز، محوری و انتخابی) انجام شد. جمع‌آوری و تحلیل داده‌ها در مطالعات گراند تئوری از ابتدای کار به صورت موازی و هم‌زمان با هم پیش می‌روند. تحلیل داده‌ها بعد از شروع اولین گام‌های جمع‌آوری داده‌ها آغاز شد. هر مصاحبه که توسط محقق پیاده‌سازی و تایپ شد، به صورت یک کل چندین بار خوانده شد تا درک کلی از گفته‌های مشارکت‌کنندگان حاصل شود. سپس عقاید و اندیشه‌های استخراج شده، جمع‌آوری و تحلیل داده‌ها را هدایت کردند. این فرایند تا انتهای پژوهش ادامه یافت؛ زیرا عقاید، مفاهیم و سؤالات جدید به طور مرتب تولید شدند که محقق را به مفاهیم و منابع جدید داده، هدایت

کردند. برای شکل‌گیری مفهوم، از ابتدای جمع‌آوری داده‌ها به کدگذاری و تحلیل آن‌ها پرداخته شد. سه مرحله کدگذاری که برای تکوین منسجم، منظم و مشروح نظریه به کار رفته بودند، عبارت بودند از: کدگذاری‌های باز، محوری و انتخابی. کدگذاری باز به خلق مجموعه‌ای از مفاهیم دست اول کمک می‌کند که ضمن اینکه ریشه در داده‌های خام دارند، انتزاعی هم هستند. محقق در این مرحله خط به خط داده‌ها را بازنگری کرد و فرایندهای آن را تشخیص داد و با استفاده از کلمات و عبارات آن‌ها را کدگذاری کرد. سپس با مقایسه مداوم کدها از نظر تشابه و تفاوت در مفاهیم، طبقات شکل‌گرفته و ویژگی‌ها و ابعاد هریک از آن‌ها تعیین شد. در مرحله دوم، طبقات به یکدیگر متصل شدند و مجموعه‌ای از قضایا را ساختند.

در این مطالعه برای تأیید اعتبار و مقبولیت داده‌ها از روش درگیر شدن طولانی‌مدت با داده‌ها و صرف زمان کافی برای جمع‌آوری و تجزیه تحلیل داده‌ها، تلفیق در منابع اطلاعاتی، به‌کارگیری روش‌های چندگانه برای جمع‌آوری اطلاعات مثل مصاحبه و یادداشت در عرصه، بازبینی توسط مشارکت‌کنندگان، بررسی داده‌ها توسط اساتید راهنما و مشاور و بازنگری همکاران استفاده شد. همچنین در این پژوهش محقق با انجام توصیفات عمیق، تحلیلی و غنی از زمینه و خصوصیات شرکت‌کنندگان، توصیف بستر مطالعه و توصیف روشن از موانع و محدودیت‌ها، شرایط استفاده از یافته‌ها در دیگر بافت‌ها را برای خوانندگان فراهم کرد. قابلیت اطمینان که به معنای پایداری و پایایی داده‌ها در طول زمان و شرایط مشابه است، از طریق تکرارگام به گام و حسابرسی صورت گرفت. در این مطالعه پایایی داده‌ها بدین ترتیب تعیین شد که داده‌های به‌دست‌آمده در مصاحبه، در یادداشت‌های در عرصه و یادآورنویسی‌ها نیز به دست آمد.

۴. یافته‌های تحقیق

از ۲۱ مصاحبه‌شونده، بیشترین فراوانی به گروه سنی کمتر از چهل سال (۱۵ نفر) و کمترین فراوانی به گروه سنی بیشتر از ۶۵ سال (۲ نفر) مربوط بود. از نظر مدت‌زمان استفاده

از شبکه‌های مجازی، بیشترین نمونه‌ها (۱۱ نفر) بیش از ۲ ساعت و بقیه افراد بین ۴-۶ ساعت (۳ نفر) و بین ۶-۸ ساعت (۲ نفر) از زمانشان را به استفاده از شبکه‌های مجازی اختصاص دادند. همچنین بیشترین نمونه‌های مورد مطالعه (۸ نفر) شب‌ها و بقیه افراد (۲ نفر) صبح‌ها و (۶ نفر) عصرها از شبکه‌های مجازی استفاده می‌کردند.

از ۲۱ مصاحبه‌شونده، به لحاظ سطح تحصیلات، ۱۵ نفر تحصیلات دانشگاهی داشتند و بقیه تحصیلات دیپلم (۴ نفر) و کمتر از دیپلم (۲ نفر) داشتند. همچنین در این مطالعه از نظر جنس، زنان با ۱۳ نفر بیشترین فراوانی را داشتند و ۸ نفر مرد بودند. از نظر تعداد فرزندان، بیشترین نمونه‌های مورد مطالعه از زنان و مردان متأهل (۹ نفر) دارای دو فرزند بودند، ۶ نفر سه فرزند و ۱ نفر چهار فرزند داشتند. همچنین بیشترین نمونه‌ها از نظر مدت ازدواج یعنی ۱۸ نفر، بیش از پنج سال و ۳ نفر کمتر از پنج سال از ازدواجشان گذشته بود. از لحاظ شغل بیشترین نمونه‌ها یعنی ۱۰ نفر شاغل بودند و بقیه خانه دار (۹ نفر) و دانشجو (۲ نفر) بودند.

مطابق با جدول ۱، کدگذاری‌های محوری برحسب مقولات اصلی، طبقه‌بندی شد و سپس کدگذاری و تعداد نقل قول‌ها مشخص شد. در این راستا، شرایط علی شامل خودکامی از خود، خودمختار زندگی، خویشتن عاشق، فردیت‌بخشی و اثبات هویت و نافرمانی غیریتی، در ۶۰ نقل و قول، شرایط زمینه‌ای شامل آسیب‌های اجتماعی، مردسالاری در جامعه، ناپایداری پیوندها، نابودی مودت و مشکلات معیشتی و اقتصادی در ۵۹ نقل و قول، استراتژی و اقدامات شامل همجواری مجازی و هویت و اتحاد جنسی در ۲۴ نقل و قول و پیامدهای عشق سیال برحسب متغیر سرمایه اجتماعی در ۶ نقل و قول به شرح جدول ذیل مشخص شدند.

جدول ۱. طبقات و زیرطبقات و کدگذاری محوری

کدگذاری محوری	طبقات	کدهای باز	تعداد نقل قول
مقوله اصلی: شکل‌گیری عشق سیال در شبکه‌های اجتماعی			
شرایط علی	خودکامی از خود	باز کردن فضای خصوصی، تلاش برای تغییر در زندگی، تمایل به افشای باطنی خود، خلأ روانی و عاطفی، ناکامی عاطفی، نیاز به محبت	۲۳
	خودمختار زندگی	بیان آزادانه احساسات و عواطف در فضای مجازی، بیان عمومی عشق شخصی، تصویرسازی از یکدیگر، تمایل به آزادی در روابط با دیگران، تمایل به کسب تجارب جدید، جويا برای ارتباط با دیگران	۱۱
	خویشتر عاشق	ایمان به عشق مجازی، جذابیت فضای سایبری، شکل‌گیری حس خوب، فضای واقعی عشق در نبود شبکه اجتماعی، ماهیت روابط عاشقانه در دنیای مدرن	۵
	فردیت‌بخشی و اثبات هویت	تحقیر همسر در خانه و نزد اطرافیان، حس انتقام از بی‌توجهی همسر، خشونت جنسی و عاطفی، خودارضایی همسر، پایبند نبودن به زندگی متأهلی، نیاز به کسب اعتماد در محیط مجازی	۱۶
	نافرمانی غیریتی	بی‌توجهی به ظاهر و زیبایی زن، حس انتقام از بی‌توجهی همسر، دخالت خانواده و افشای رابطه	۱۰
شرایط زمینه‌ای	آسیب‌های اجتماعی	ازدواج اجباری، اعتیاد اطرافیان همسر، اعتیاد به مواد مخدر، خشونت کلامی و فیزیکی، دوستان و گروه همسال ناباب	۱۶
	مردسالاری در جامعه	بیان نکردن زبانی احساسات، دیکتاتور بودن همسر، فشار و سخت‌گیری‌های کنترلی	۵
	ناپایداری پیوندها	اعتقاد به هوس‌بازی همسر، بیان نکردن زبانی	۷

تعداد نقل قول	کدهای باز	طبقات	کدگذاری محوری
	احساسات، ترس از طلاق در فامیل و بستگان، سراب بودن فضای مجازی		
۲۶	بی توجهی به نیازهای عاطفی زن، تحقیر همسر در خانه و نزد اطرافیان، نبود ارتباط عاشقانه در محیط خانه، پایبند نبودن به زندگی متأهلی، رسیدگی نکردن زن به خود در محیط خانه، نیاز به محبت	نابودی مودت	
۵	فقر یا ثروت یک‌شبهه، مشکلات مالی، نارضایتی از زندگی خانوادگی	مشکلات معیشتی و اقتصادی در خانواده	
۶	شکل‌گیری حس خوب، گذراندن وقت و سرگرمی، ماهیت روابط عاشقانه در دنیای مدرن، نیت کمک به جنس مخالف، همدردی در فضای مجازی	همجواری مجازی	استراتژی‌ها و اقدامات
۱۸	رابطه زناشویی ذهنی، سیر شدن از رابطه همسری، ماجراجویی جنسی، نارضایتی جنسی زوجین، نیاز جنسی	هویت و اتحاد جنسی	
۶	آزادی در ارتباط عشقی، باز کردن فضای خصوصی، رفتارهای فرازناشویی، طلاق عاطفی	کاهش سرمایه اجتماعی	پیامدهای عشق سیال

۵. بحث و بررسی یافته‌ها

بی‌بندوباری در معاشرت‌ها باعث گسستگی و اختلاف در نظام خانواده‌ها و تضعیف مبانی دینی و مذهبی می‌شود. افزایش این معضل را حتی در بین افراد متأهل و پیشروی آن را در وضعیت کنونی به صورت چشمگیری مشاهده می‌کنیم. در هر صورت خیانت همسران، امری پیچیده و درعین حال دوطرفه است که در آن استثنا نیز وجود خواهد داشت. باید بدانیم که همه ما (زن و مرد) در این زمینه نقش داریم و نقش خود را باید بررسی کنیم. تحقیقات نشان می‌دهد که برای زن‌ها خیانت عاطفی و برای مردان خیانت جنسی، نابخشودنی‌تر و

تحمل‌ناپذیرتر است. معمولاً زندگی زناشویی که با خیانت روبه‌رو می‌شود، دیگر طراوت و شادابی قبل را نخواهد داشت؛ مگر اینکه طرف مقابل از ظرفیت روانی بسیاری برخوردار باشد و خود را نیز در این اتفاق سهیم بداند و به فرد خیانتکار اجازه جبران اشتباه را بدهد. پژوهش حاضر با هدف تحلیل نحوه شکل‌گیری عشق سیال مبتنی بر زیست زناشویی زوجین در شبکه‌های مجازی انجام گرفت. در این پژوهش از دیدگاه باومن که مفهوم عشق سیال را توضیح می‌دهد، استفاده شد؛ به‌عنوان نمونه، باومن معتقد است که جهان مدرن، جهان عقلانی‌شده محاسبه‌گر و افسون‌زدایی‌شده است که در آن روابط عاشقانه به شکلی سست، موقتی، غیرقابل‌اعتماد و کالایی‌شده تعریف می‌شود و نوعی ناپایداری در عشق تحت پیامدهای مخرب مدرنیته بر انسان در جامعه کنونی مستولی است. باومن معتقد است، زنان و مردان امروز نگران‌اند که ارتباط همیشگی، آن‌ها را مجبور به تحمل فشارهایی کند که آزادی آن‌ها را در ایجاد روابط دیگر سلب کند؛ به همین دلیل، به عشق سیال روی می‌آورند. تحلیل یافته‌ها نشان داد، همسرانی که ساعت‌ها قبل از خواب به‌جای مطالعه یک کتاب در اپلیکیشن‌های موبایلی هوشمند نظیر تلگرام در جست‌وجوی «شریک احساسی مجازی» هستند، با گذشت زمان چه دستاوردی برای سلامت روان خود رقم می‌زنند. در مصاحبه‌ها این رفتارها بیشتر تکرار شده بود:

۱- مشکل احساسی خود با همسر یا والدینشان را در فضای مجازی به اشتراک می‌گذارند؛

۲- یک گوش شنوا و سنگ صبور ناآشنا و غریبه را برای شنیدن حرف‌های خود ترجیح می‌دهند؛

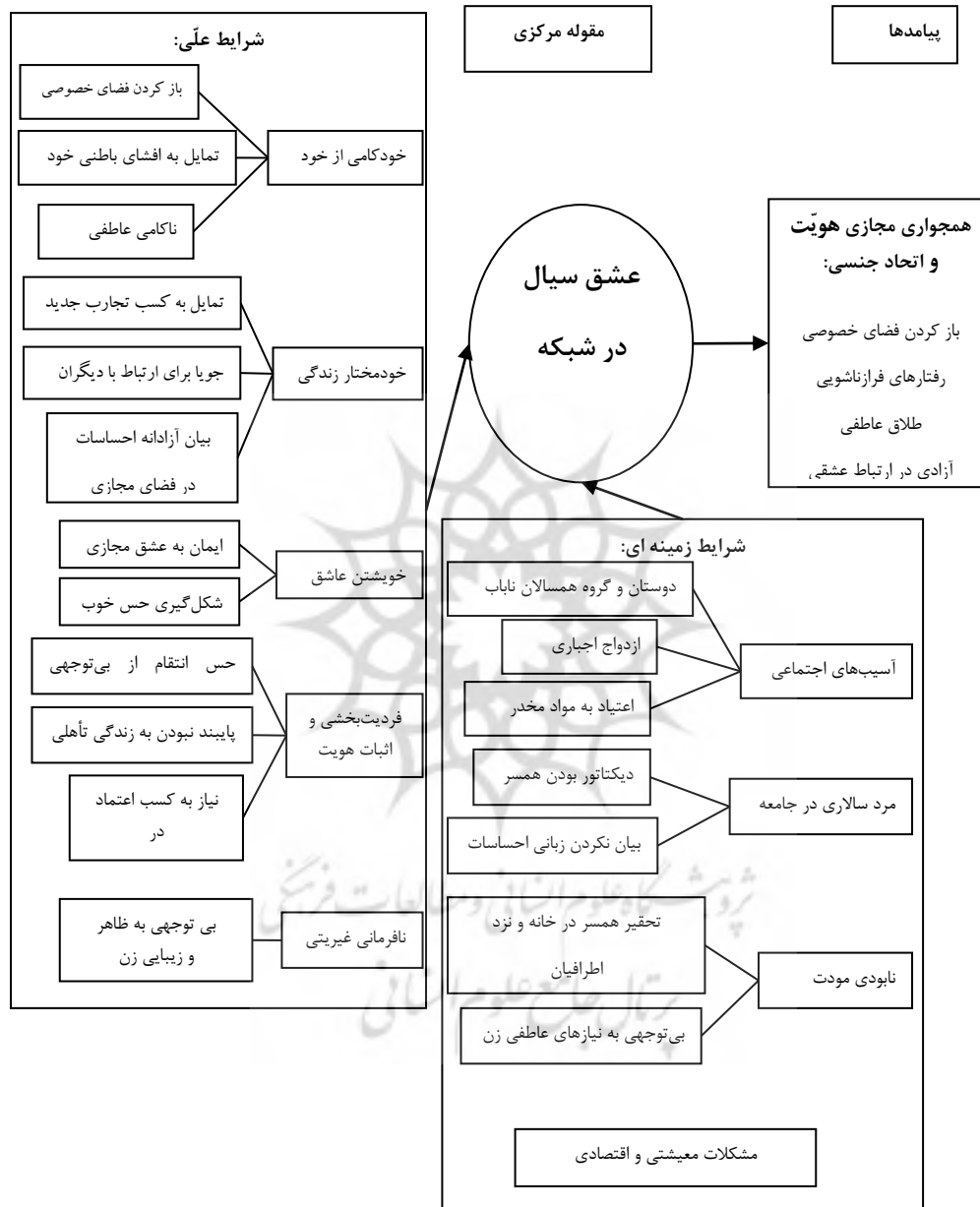
۳- خصوصی‌ترین مسائل عاطفی‌شان را به شکل سایبری با همه جهان مطرح می‌کنند؛

۴- به‌جای هزینه و زمان گذاشتن برای انتخاب و مراجعه به یک مشاور واقعی، از مشاور مجازی کمک می‌گیرند؛

- ۵- همان حرف‌هایی را که به‌هیچ‌وجه در دنیای واقعی نمی‌توانند بیان کنند، در دنیای مجازی به‌راحتی ارائه می‌کنند؛
- ۶- خصوصی‌ترین رفتارها، عکس‌ها و لحظه‌های زندگی‌شان را در اختیار غریبه‌ترین افراد قرار می‌دهند؛
- ۷- از بین همه انتخاب‌ها در همه حال، تنوع‌طلبی و لذت‌جویی شخصی را همواره حق خود می‌دانند؛
- ۸- برای حل پیچیده‌ترین عملکردهای خود یا نزدیکان، ساده‌ترین و پیش‌پاافتاده‌ترین راه را انتخاب می‌کنند؛
- ۹- آن‌ها که در اعتماد کردن به نزدیکان شما نیز تردید دارند، به یک دلیل پرابهام به خطرناک‌ترین افراد اعتماد می‌کنند؛
- ۱۰- این همه آگاهی‌بخشی پلیس فتا و سایر دستگاه‌های نظارتی را باور نمی‌کنند و همچنان در مسیر اشتباه به رفتار پرخطر مجازی‌شان ادامه می‌دهند؛
- ۱۱- اغلب تصورشان این است که تعاملات احساسی با پاک کردن محتویات یک صفحه تمام می‌شود؛ درحالی‌که بیشتر دیده شده است که انسان اگر به تغییر نگرش و تحول فکری جامعه نرسد، برای لذت‌جویی بیشتر و عمیق‌تر همچنان به فرورفتن در گرداب رفتارهای پرخطر عاطفی اهتمام می‌ورزد؛
- ۱۲- نداشتن دانش و مهارت‌های زندگی از سوی زوجین.
- در این تحقیق آنچه در خودکامی از خود، به شکل‌گیری عشق سیال منجر شد، خلأ روانی و عاطفی، تمایل به افشای باطنی خود، تلاش برای تغییر در زندگی، نیاز به محبت، باز کردن فضای خصوصی و ناکامی عاطفی بود.
- یکی دیگر از شرایط علی، مفهوم «خودمختار زندگی» است. باومن به‌خوبی روابط انسان مدرن را به تصویر کشیده است؛ انسانی محتاج و جویای ارتباط و درعین‌حال ترسان از ارتباط داشتن با دیگری. همچنین او معتقد است که زنان و مردان امروز نگران هستند که

ارتباطات همیشگی آنها را مجبور به تحمل فشارهایی کند که آزادی آنها را در ایجاد روابط با دیگران سلب کند؛ به همین دلیل به عشق سیال روی می‌آورند (باومن، ۱۳۸۴، ص. ۱۰).





شکل ۱. الگوی نظری شکل گیری عشق سیال زوجین در شبکه های اجتماعی مجازی

مطابق شکل ۱، الگوی نظری شکل‌گیری عشق سیال زوجین در شبکه‌های اجتماعی مجازی برحسب مقولات مرکزی، شرایط علی و پیامدها برحسب عشق سیال در شبکه مشخص شد که در آن همجواری مجازی هویت و اتحاد جنسی برحسب پیامدهای باز کردن فضای خصوصی، رفتارهای فرازناشویی، کاهش سرمایه اجتماعی، طلاق عاطفی و آزادی در ارتباط عشقی تعیین شد.

۶. نتیجه‌گیری و پیشنهادها

پژوهش حاضر با هدف تحلیل نحوه شکل‌گیری عشق سیال مبتنی بر زیست زناشویی زوجین در شبکه‌های مجازی انجام شد. از آنجاکه تحقیق داخلی مشابهی در این زمینه صورت نگرفته است، نمی‌توان مقایسه‌ای با تحقیقات داخلی انجام داد، اما یافته‌های این پژوهش با نتایج پژوهش‌های بودمر^۱ (۲۰۰۱) و دوکان و مورگان (۲۰۰۷) همسوست که به بررسی ابعاد عشق رمانتیک در بین زنان و گپ‌های آن لاین و خیانت اینترنتی پرداختند. با مراجعه به کلینیک‌های مشاوره، شاهد گسترش پرونده‌هایی در رابطه با شبکه مجازی و ارتباط با شبکه مجازی و ارتباط عشقی و رفتار فرازناشویی بودم. تصور می‌کنم جامعه ایرانی هزینه اخلاقی و روانی زیادی را برای فقدان اطلاع‌رسانی و گسترش آموزش‌های مرتبط با اخلاق زناشویی را متحمل شده و خواهد کرد. بسیاری از مصاحبه‌شونده‌ها درک درستی از روابط فرازناشویی عاطفی نداشتند و تصور می‌کردند چون امکان تماس جسمی در این محیط وجود ندارد، پس چنین روابطی بی‌اشکال است.

نتایج حاصل در بررسی شرایط علی و زمینه‌ای که به شکل‌گیری عشق سیال در زوجین منجر می‌شود، نشان می‌دهد که در استراتژی‌ها و اقدامات، افراد اهدافی را دنبال می‌کنند که باعث می‌شود عشق مجازی را ادامه دهند؛ مثلاً ماجراجویی جنسی برای افرادی که از بی‌توجهی و یکنواختی احساسی همسر خود رنج می‌برند، یک راه بسیار خطرناک است.

1. Bodmer

همچنین گذراندن وقت و سرگرمی و تفریح یا کمک و همدردی در فضای مجازی به جنس مخالف یا داشتن روابط عاشقانه در دنیای مدرن از جمله اهدافی است که فرد در جست‌وجوی آن است. نتایج این پژوهش مطابق با دیدگاه دیدگاه باومن، به دلیل ماهیت فضای مجازی و ویژگی‌های آن مثل رقیق بودن، سادگی برقراری رابطه و قطع آن، معاینه دائمی و گمنامی که باعث می‌شود این فضا به‌عنوان تسهیلگر فرصت تعامل با جنس مخالف را فراهم کند، مدنظر قرار گرفت.

همچنین نتایج در رابطه با پیامدهای عشق سیال نشان داد که هرچه میزان حضور زوجین در شبکه‌های مجازی بیشتر باشد، به همان اندازه بر اختلافات زناشویی، خشونت خانگی، طلاق عاطفی، تنوع طلبی عاطفی و جنسی و کاهش اعتماد، افزایش سوءتفاهم‌ها و رفتارهای فرازناشویی مؤثر است. از جمله مواردی که در سخنان مصاحبه‌شوندگان وجود داشت، اغلب تصورشان این بود که تعاملات احساسی با پاک کردن محتویات یک صفحه به اتمام می‌رسد؛ درحالی‌که تجربه زوجین نشان داد که برای لذت‌جویی بیشتر و عمیق‌تر، همچنان به فرورفتن در گرداب رفتارهای پرخطر عاطفی، اهتمام می‌ورزند. بعضی از افراد معتقد بودند به‌خاطر به دست آوردن آزادی و حس خوب ناشی از هم‌صحبتی با جنس مخالف و شکل‌گیری لحظه‌های عشقی و عاطفی که خیلی سریع به پایان رسیدند، به‌جای آن، اعتماد، تعهد و پایداری، امنیت، صمیمیت و محبت همسرمان را از دست دادیم؛ به‌طوری‌که حاضر به بخشش ما نیست. شاید بد نباشد برای درک درست چرایی گرایش افراد بزرگسال به رفتارهای پرخطر دنیای مجازی، ابتدا نظری به دنیای واقعی آن‌ها داشته باشیم. اگر خانمی در تعامل عاطفی و احساسی خویش با همسرش به همه آنچه نیاز دارد رسیده باشد، آیا ممکن است درگیر عشق‌های موبایلی شود؟ اگر مردی در روابط زناشویی خویش به‌طور کامل و براساس هر آنچه در ذهن خود دارد به رضایت مطلوب احساسی و غریزی برسد، آیا ممکن است در فضای مجازی در جست‌وجوی رابطه احساسی ذهنی یا مجازی باشد؟ اگر زن و

مرد یکدیگر را بهتر بشناسند و انتظارات و مسئولیت‌های احساسی و زناشویی خویش را بهتر درک کنند، به‌طور حتم آسیب کمتری درباره مسائل مختلف خواهند داشت.

نکته بعدی اینکه موبایل به‌هیچ‌وجه ناگهان به همه زندگی یک کاربر تبدیل نشده است و براساس عوامل زمینه‌ای و دلایل پنهان و پیدای ارتباطی است که زمینه‌گرایی و وابستگی شدید به وجود می‌آید. موبایل یک وسیله ارتباطی است که اگر شخص به‌طور منطقی از آن استفاده کند، هیچ نتیجه منفی و رفتار نابهنجاری را موجب نخواهد شد.

هر صحبتی بین یک زن و یک مرد رابطه فرازناشویی شمرده نمی‌شود، اما زمانی که صحبت‌ها از حیطه کاری و شغلی عبور کند و رنگ و بوی عاطفی و هیجانی به خود بگیرد، زنگ خطر برای هر دوی آن‌ها به صدا در می‌آید؛ چون کم‌کم از خط قرمزها عبور می‌کنند و پیوند عاطفی میان آن‌ها ایجاد می‌شود. گفتنی است، هیچ زن و مردی یک‌شبه دچار یکنواختی، بی‌تفاوتی و تنفر به همسر خود نمی‌شود، بلکه مهم‌ترین انگیزه زن و مرد متأهلی که به سوی روابط فرازناشویی کشیده می‌شود، تجربه مجدد صمیمیت است؛ همان احساسی که دیگر در زندگی مشترک آن‌ها یافت نمی‌شود؛ پس کمبود روابط محبت‌آمیز در خانواده، مهم‌ترین علت اشتباه یک زن و مرد متأهل برای وابستگی سایبری است. نکته مهم دیگر این است که در هر فضای خانوادگی با توجه به وضعیت فرهنگی و احساسی، یک یا چند علت با هم می‌تواند موجب گرایش غیرمنطقی یکی از زوجین به شبکه‌های مجازی شود؛ مثلاً در شرایط علی، مصاحبه‌شونده‌ها معتقد بودند که چون در زندگی زناشویی دچار ناکامی عاطفی، بی‌توجهی همسر، تحقیر و خشونت جنسی و عاطفی شده‌اند، خود را محق می‌دانند که برای تغییر در زندگی و شکل‌گیری احساس خوب و انتقام از همسر، دست به رفتارهای فرازناشویی بزنند؛ به همین دلیل پُر کردن خلأ عاطفی و روانی و نیاز به محبت، تأیید و دیده شدن توسط دیگران، مهم‌ترین مسئله‌ای بود که زوجین در پی آن بودند تا از طریق فضای مجازی مشکلات احساسی و خصوصی‌ترین مسائل عاطفی‌شان را در آنجا مطرح کنند و

همان حرف‌هایی را که به‌هیچ‌وجه در دنیای واقعی نمی‌توانند بیان کنند، در دنیای مجازی به‌راحتی ارائه می‌کنند.

در راستای یافته‌های پژوهش، پیشنهادهای کاربردی نظیر برگزاری جلسات آموزشی از سوی مصادر امور فرهنگی به‌منظور آشنا کردن و اطلاع‌رسانی به والدین و خانواده‌ها در مورد فناوری‌های جدید، به‌ویژه اینترنت و شبکه‌های اجتماعی مجازی ارائه می‌شود. پیشنهاد می‌شود، استفاده از ظرفیت‌هایی مانند رسانه‌های دیداری و شنیداری، روزنامه‌ها، مجلات و نشریات برای نهادینه شدن فرهنگ سایبری به کاربران در گروه‌های مختلف سنی آموزش داده شود. همچنین پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی و توجه والدین به رفتار فرزندان بسیار مهم است و برای جلوگیری از ازم‌پاشیدگی خانواده‌ها، والدین باید تا حدودی به فناوری‌های روز دنیا مسلط باشند و آگاه باشند که تغییر در رفتار فرزندان به معنای ایجاد تغییر در طرز فکر آن‌هاست و هنگامی که بنیان فکری و شخصیت آن‌ها به‌صورت ناصحیح شکل گیرد، راه نفوذ شیادان به حریم خصوصی افراد و محیط امن خانواده باز می‌شود؛ بنابراین چنانچه خانواده‌ها درباره شیوه‌های جدید ارتباط فرزندان خود آگاهی و شناخت کافی و لازم را داشته باشند، از انجام بسیاری از جرائم و ارتباطات پنهانی آن‌ها جلوگیری می‌کنند.

درباره محدودیت‌های پژوهش حاضر باید گفت که حساسیت موضوع تحقیق بسیار زیاد است و پاسخ به سؤالات مربوط به روابط فرازنشویی عاطفی حتی به‌صورت اظهارنظر، با حساسیت‌ها و محدودیت‌هایی همراه بود. یکی دیگر از محدودیت‌های پژوهش، تحقیقات اندکی بود که در این زمینه انجام شده است. درواقع، کمبود منابع فارسی و پژوهش‌های داخلی درباره روابط فرازنشویی عاطفی و عشق سیال، امکان مقایسه نتایج این پژوهش را با مشکل مواجه کرد؛ چراکه عشق سیال و ارتباط فرازنشویی عاطفی پدیده چندبعدی و بسیار پیچیده‌ای است. هرچند پژوهش کنونی سعی کرده است تا برخی علل و عوامل را بررسی

کند که موجب می‌شود افراد با این پدیده مواجه شوند، هنوز نقاط تاریک زیادی وجود دارد که به بررسی همه‌جانبه نیاز دارد.

کتابنامه

۱. اصغری، م. (۱۳۸۶). اینترنت و زندگی روزمره و تعاملات اجتماعی. فرهنگ و دانش، ۱(۱)، ۳۵-۴۸.
۲. باومن، ز. (۱۳۸۴). عشق سیال: در باب ناپایداری پیوندهای انسانی (ع. ثابتی، مترجم). تهران: ققنوس
۳. برات دستجردی، ن.، و عرفان، آ. (۱۳۹۱). بررسی عوامل مؤثر در گرایش به ازدواج اینترنتی در بین دانشجویان (با رویکرد آسیب شناسانه به ازدواج اینترنتی). مطالعات میان رشته‌ای در رسانه و فرهنگ، ۲(۲)، ۶۵-۸۲.
۴. دهقان، ع.، و نیکبخش، م. (۱۳۸۵). مطالعه شیوه رفتار افراد در محیط مجازی: شکل‌گیری روابط صمیمانه در اتاق‌های گپ زنی اینترنت. انجمن ایرانی مطالعات فرهنگی و ارتباطات، ۲(۶)، ۱-۲۹.
۵. ذکایی، م. س.، و خطیبی، ف. (۱۳۸۴). رابطه حضور در فضای مجازی و هویت مدرن پژوهشی در بین کاربران اینترنتی جوان ایرانی. نشریه علوم اجتماعی، ۳۳، ۱۱۱-۱۵۴.
۶. ربیعی، ع.، و شاه‌قاسمی، ا. (۱۳۸۸). آسیب فردی و اجتماعی روابط مجازی در ایران. رفاه اجتماعی، ۳۴، ۹-۳۲.
۷. ساروخانی، ب. (۱۳۹۲). مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی خانواده (چاپ چهارم). تهران: انتشارات سروش.
۸. شریفی ساعی، م. ح.، و آزاد ارمکی، ت. (۱۴۰۰). عوامل شکل‌گیری خیانت زناشویی در ایران: مطالعه فراترکیب. بررسی مسائل اجتماعی ایران، ۱۲(۲)، ۳۳-۷۴.
۹. شکریگی، ع. (۱۳۹۱). رسانه، زنان و مناسبات خانواده. نشست انجمن جامعه‌شناسی ایران، بازیابی از <http://www.isa.org.ir>
۱۰. شیردل، م. (۱۳۸۵). عوامل گرایش زنان و مردان متأهل به رابطه نامشروع جنسی. رفاه اجتماعی، ۲۲(۲)، ۱۴۸-۱۳۳.

۱۱. صفایی، م. (۱۳۹۱). بررسی عوامل تأثیرگذار بر گرایش زنان متأهل به روابط فرازنشویی (پایان نامه منتشر نشده کارشناسی ارشد). دانشگاه الزهراء، تهران، ایران.
۱۲. عباسی شوازی، م.، و هاشم پور صادقیان، م. (۱۳۹۶). مطالعه مقایسه‌ای رابطه رسانه‌های اجتماعی و شبکه روابط خویشاوندی و دوستی بین دو نسل جوان و بزرگسال شهر شیراز. *مطالعات فرهنگی و ارتباطات*، ۱۳ (۴۸)، ۷۷-۱۰۰.
۱۳. عبداللهیان، ح.، زاهدی، م. ج.، و شیخ نصاری، م. (۱۳۹۲). ارزیابی ساختار، کنش‌های متقابل، گمنانی و بازنمایی خود در چهار شبکه اجتماعی مجازی. *رسانه و فرهنگ*، ۳ (۲)، ۱۰۳-۱۲۸.
۱۴. علیرضائزاد، س. (۱۳۹۶). *جامعه‌شناسی عشق*. تهران: نشر دانژه.
۱۵. فتحی، س.، و مطلق، م. (۱۳۹۰). جهانی شدن و فاصله نسلی (مطالعه جامعه‌شناسی فاصله نسلی: با تأکید بر فناوری اطلاعات و ارتباطات). *نشریه مطالعات راهبردی جهانی شدن*، (۵)، ۱۵۴-۱۴۲.
۱۶. فتحی، س.، پیراهری، ن.، و شیرین بیان، ا. (۱۳۹۰). بررسی تأثیر فناوری اطلاعات و ارتباطات (ICT) بر شکاف نسلی (مورد پژوهش: خانواده‌های شهرستان گرمسار). *مجله مطالعات جامعه‌شناسی ایران*، (۴)، ۱۶۱-۱۶۴.
۱۷. فولادیان، م.، برادران کاشانی، ز.، و دیاری، م. (۱۴۰۰). تحلیل جامعه‌شناسی فرایندهای بروز رابطه فرازنشویی (مورد مطالعه: زنان و مردان متقاضی طلاق در شهر مشهد). *مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران*، ۱۰ (۱)، ۱-۳۷.
۱۸. کاستلز، م. (۱۳۸۹). *عصر اطلاعات ظهور جامعه شبکه‌ای* (ع. پایا، مترجم) (چاپ ششم). تهران: طرح نو
۱۹. منتظر قائم، م.، و شاه قاسمی، ا. (۱۳۸۷). اینترنت و تغییر اجتماعی در ایران: نگاهی فرا تحلیلی با تأکید بر جوانان. *جامعه‌شناسی ایران*، ۹ (۳ و ۴)، ۱۲۰-۱۴۲.
۲۰. والاس، پ. (۱۳۸۲). *روان‌شناسی اینترنت* (ب. اوحدی، و ف. قنادی، مترجمان). تهران: انتشارات نقش خورشید.

22. Casar, G., & Torres, J. (2001). Of virtual Friendships, romantic relationships and safety: A survey on how college students of msu-iit think. Paper presented at *the First International Conference on Interdisciplinary Research and Development*, Thailand.
23. Corbin, J., & Strauss, A. (2008). *Basics of qualitative research: Techniques and procedures for developing grounded theory*. London: Sage.
24. Docan, M. (2007). Variations in internet- related Problem and Psychosocial functioning in online sexual. Stanford: Stanford University Press
25. Fearn, N. (2006). Zygmunt Bauman. *New Statesman*, 4775, 30.
26. Giddense, A. (1992). *The transformation of intimacy sexuality, love and eroticism* press.
27. Glaser, B. G., & Holton, J. (Editors). (2004). *Remodeling grounded theory*. Forum: Qualitative Social Research.
28. Manteghi Fasaie, A., & Fathi, S. (2018). Sociological investigation of the usage of cyber space and its relation with social isolation (Case study: Science and Research Branch students). *International Journal of Social Sciences*, 8(4), 39-49.
29. Rahimi, M., & Soroush, F. (2018). Investigating the effects of social networks on family relations from the viewpoints of teachers in 11th region of education ministry. *Quarterly of Sociological Studies of Youth*, 9(28), 59-78
30. Rasenfeld, M., & Thomas, R. (2012). Searching for a mate: The rise of the internet as a social intermediary. *American Sociological Review*, 77(4), 523-547.
31. Sedghijalal A., & Fathi, S. (2015). The virtual social networks and couples' commitment. *International Journal of Social Sciences*, 5(3), 51-60
32. Whitty, M. (2008). Liberating or debiting? An examination of romantic relationship, Sexual relationship and friendship on the net. *Computers in Human Behavior*, 24, 1834-1850.